



Comparative Study of the Single Article of the Law on Respecting Legitimate Freedoms and Protecting Citizen Rights

Javad Jamshidi *

MSc Student in Criminal Law and Criminology,
Payam Noor University, South Tehran Branch,
Tehran, Iran.

Abstract

Citizenship rights are the set of fundamental rights that a person has as a citizen, which includes the principle of legitimate freedom, the principle of acquittal, the right to access a lawyer, the right to access a competent court, etc. The constitution has given special attention to these rights and the Islamic Council has protected them in the law respecting legitimate freedoms and protecting the rights of citizens. Every human being is a human being regardless of his/her thoughts, ethnicity, and language, and as a human being, he/she has human dignity and rank; for this reason, his human dignity cannot be undermined with any excuse. On the other hand, every person in any society has a series of fundamental and necessary rights that must be respected and protected by the government. Based on this, the present research aims to compare the single article of the Law on Respecting Legitimate Freedoms and Protecting Citizen Rights and answer the question whether the concept of freedom and examples of freedom are the same in both human rights and citizenship rights documents. This article is of a descriptive-analytical type and its results showed that due to the security orientation of the new law in accepting citizenship rights, the legislator has considered the aspects of caution and in some cases has set some limits regarding the claim of moral damages.

Keywords: freedom, human rights, citizenship rights, the universal charter

Received: 21/September/2023

Accepted: 16/November/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

بررسی تطبیقی ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

جواد جمشیدی *

چکیده

حقوق شهروندی، مجموعه حقوق بنیادینی هستند که فرد به‌عنوان شهروند از آن برخوردار است. اصل آزادی مشروع، اصل برائت، حق دسترسی به وکیل، حق دسترسی به دادگاه صالح و غیره، از جمله این حقوق هستند. در کشور ما، هم قانون‌گذار در قانون اساسی به‌طور ویژه این حقوق را مورد توجه قرار داده است و هم مجلس شورای اسلامی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از آن‌ها پاسداری کرده است. هر انسان، فارغ از هر اندیشه، قومیت و زبانی که دارد، انسان است و به‌عنوان بشر، دارای شأن و مرتبه انسانی است. به همین دلیل نمی‌توان با هر بهانه‌ای کرامت انسانی وی را خدشه‌دار کرد. از طرفی، هر فرد در هر جامعه، یک سری حقوق بنیادین و ضروری دارد که لازم است از طرف دولت و حکومت رعایت و حفظ شود. بر همین اساس، این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و پاسخ به این سؤال که آیا مفهوم آزادی و مصادیق آزادی در هر دو سند حقوق بشر و حقوق شهروندی یکسان است یا خیر، انجام گرفته است. این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است. نتایج این پژوهش نشان داد که با توجه به امنیت‌مدار بودن قانون جدید در پذیرش حقوق شهروندی، قانون‌گذار جوانب احتیاط را موردنظر داشته و در برخی موارد، محدودیت‌هایی را نسبت به مطالبه خسارات معنوی مقرر نموده است.

کلیدواژه‌ها: آزادی، حقوق بشر، حقوق شهروندی، منشور جهانی

مقدمه

اساس قانون گذاری در جوامع بشری به سه صورت است:

۱. در دوره‌های گذشته بیشتر معمول بود که قانون از سوی فرد حاکم یا هیئت حاکمه که اغلب به شکل خانواده‌ای، قبیله‌ای و عشیره‌ای بود، وضع شود. این نوع قانون گذاری در حقیقت تحمیل اراده و خواست افراد مذکور بود و به صورت غیرمکتوب جریان داشت.

۲. در یک جامعه مدنی، رخصت قانون گذاری از سوی مردم به گروهی از نخبگان ملت واگذار می‌شود و این گروه اقدام به قانون گذاری می‌کنند.

۳. این نوع قانون که در اسلام موردنظر است، قانون گذاری از سوی خداوند بوده که علاوه بر نص صریح بر اساس شرع و اصول آن، فقیهان دین و مجتهدان بر اساس نیاز انسان‌ها و با تکیه بر مبانی اصلی قرآن و سنت رسول اکرم (ص) و سیره معصومین (ع)، قوانین را مطابق مقتضیات روز، استنتاج و تقریر می‌نمایند.

همیشه شاهد هستیم که افرادی این نظم و قانون را بر هم می‌زنند. جامعه بشری غالباً در مقابل این افراد به انواع مختلف واکنش نشان می‌دهد؛ گاه واکنش اخلاقی یا واکنش قانونی و گاه هر دو توأمان با یکدیگر. هرچند امروزه اخلاق کمتر در حقوق جزا مورد توجه است ولی باید پذیرفت که پایه و اساس بسیاری از اعمال مجرمانه، عدم توجه به ارزش‌ها و دستورات اخلاقی است. حتی حقوق جزای مدرن نیز کم‌کم به این نتیجه رسیده است که مجازات و حتی اقدامات تأمینی و تربیتی برای برقراری نظم و ایجاد تعادل در جامعه موفق نبوده است (Kant, 2003).

اجرای واقعی عدالت نیازمند وجود قواعد و قوانینی است که در درجه اول از تعقیب و مجازات افراد بی‌گناه جلوگیری کرده و در گام دوم، راه فرار از عدالت را به روی مجرمان ببندد و به دوباره اجتماعی شدن آنان کمک کند. برای اینکه مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی مؤثر باشد، در جوامع متمدن امروزی، کشف جرم، تعقیب مجرم، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم، لازم است (Deryck et al., 2011).

استانداردهایی که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در خصوص حق آزادی و امنیت شخصی آمده، به صورت متمرکز و اصلی در میثاق حقوق مدنی سیاسی بیان شده است. ایران نیز عضو این معاهده است. بر همین اساس، استانداردهای بین‌المللی در این خصوص را با قواعد و مقررات ناظر بر این حق در حقوق ایران، بررسی تطبیقی خواهیم کرد.

در این مقاله، پس از بیان مواد مرتبط با رعایت حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به خصوص میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب دسامبر ۱۹۶۶ که ایران نیز عضویت آن را پذیرفته و بر همین اساس رعایت مفاد آن جزء تکالیف بین‌المللی کشور محسوب می‌شود، به بررسی مطابقت قوانین کیفری ایران با میثاق یادشده در زمینه‌های به رسمیت شناختن حق آزادی و امنیت شخصی و ضرورت جواز قانونی از سوی مقام قضایی، موارد سلب آزادی افراد و نیز حق اعتراض متهم به دستگیری و بازداشت خود می‌پردازیم و پس از بیان موارد مبهم و مسکوت مرتبط با آن، به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش خواهیم پرداخت تا روشن شود قانون‌گذار ایران در راستای مطابقت با تعهدات بین‌المللی پذیرفته‌شده در کشور، در قانون یادشده گامی به جلو برداشته است یا خیر.

پیشینه پژوهش

مصلح (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی حقوق شهروندی در قوانین ایران و قوانین بین‌المللی پرداخت. بررسی‌ها نشان می‌دهند که باید محدوده مشخصی برای حقوق شهروندی قائل شد. اگر حقوق شهروندی به مفهوم عام و جهانی آن مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند به عنوان نماد هویت جمعی و وحدت ملت‌ها به شمار آید؛ شامل پذیرش جدایی‌ناپذیر

بودن این حقوق از دارندگان آن و لزوم شفافیت ابعاد آن و اینکه حقوق شهروندی، با تغییر و پیشرفت جوامع و فرهنگ‌ها، در حال تحول و توسعه است و اسناد قانونی موجود برای الزامی کردن این حقوق نیز به مرور زمان تکمیل و ثبت گردیده است.

آشوری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه پرداختند. نتایج نشان داد که تشریفات قانونی و ضوابط مقرر در بحث تحت نظر در قانون فرانسه در مقایسه با قانون فعلی ایران بسیار گسترده است. چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی این مدت را نه به‌عنوان یک مرحله دادرسی کیفری بلکه صرفاً در حد دوره زمانی حد فاصل دستگیری و معرفی نزد مقام قضایی دانسته و بدین دلیل، ضرورتی به تعریف حقوق مشخص برای متهم در آن ندیده است.

صادقی زیازی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران، با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری پرداختند. قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه موضوع بحث این مقاله، با اسناد بین‌المللی حقوق بشر و به‌خصوص میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تطبیق کامل دارد. این مسئله به انجام تکالیف و تعهدات بین‌المللی پذیرفته‌شده در کشور نیز کمک شایانی خواهد نمود.

مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی

آزادی، حقی است که به‌موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند؛ مشروط بر آنکه آسیب و زیانی به دیگران وارد ن سازند (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۹۶). از آنجاکه آزادی شخصی، لازمه وجودی انسان و به‌عنوان یکی از حقوق فطری، غایت مطلوب جامعه بشری است، همگان باید به آن احترام بگذارند و از تعرض نسبت به آن احتراز کنند. با وجود این، اسناد بین‌المللی حقوق بشر این گونه به حمایت از حق برخورداری از آزادی افراد پرداخته است که هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت نمود (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۶). آزادی مدنظر ما همان آزادی‌های شخصی است که به معنای دستگیری یا بازداشت و حبس نشدن افراد است.

امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند در حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود، بیم و هراسی نداشته باشند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳). حق امنیت دارای مصادیق فراوانی شامل امنیت جانی، امنیت حیثیت و اعتبار، امنیت مال، امنیت مسکن، امنیت شغل، امنیت خودسرانه و تعقیبات غیرقانونی است (خسروی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶). در خصوص امنیت شخصی، دو نظر وجود دارد؛ یکی معنای عام که تمام حقوق بشر در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد و به مفهوم امنیت انسانی است و دیگری، معنای خاص امنیت شخصی که ماده ۹ میثاق مدنی سیاسی با عنوان حق بر آزادی و امنیت شخصی^۱ مستفاد می‌گردد. با دقت در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، به نظر می‌آید مقصود از آزادی و امنیت شخصی، مفهوم عام آن نباشد و در حقیقت، مفهوم مشخص‌تری از حق آزادی و امنیت شخصی، مدنظر است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۲). برای اینکه بتوانیم مفهوم اصلی و واقعی موردنظر این اسناد را کشف نماییم، باید به سراغ مفاد این مواد برویم. این مواد، حق آزادی و امنیت فرد را در شرایط بازداشت در نظر داشته‌اند، چنان‌که در برخی از متون بین‌المللی از اصطلاح «منع بازداشت خودسرانه» استفاده نموده‌اند و همین معنی از امنیت شخصی، مدنظر است.

1. right to liberty and security of person

حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹) و در اسناد منطقه‌ای مانند اعلامیه اسلامی حقوق بشر (ماده ۲۰) و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۱۵)، تصریح شده و به آثار چنین حقی نیز اشاره کرده است.

بند ۱ ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶ مطابق با ۱۳۴۵ مقرر داشته است: هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ کس نمی‌تواند خودسرانه دستگیر یا بازداشت شود. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر از جهات خاص و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ نیز مقرر داشته است: هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود.

از متن مفاد ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که آزادی و امنیت شخصی، یکی از حقوقی است که برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. بر پایه این حق، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنائی باشد که تنها بر پایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر انجام گیرد و هرچه زودتر دادرسی عادلانه درباره کسانی که آزادی‌شان سلب شده است، به عمل آید و اشخاص دستگیرشده حق اعتراض نسبت به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند. بر این اساس، به رسمیت شناخته شدن حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تکلیف دولت‌ها به پاسداری از آن شناخته می‌شود (دلشاد و همکاران، ۱۳۹۲).

حق آزادی و امنیت شخصی در حقوق ایران

بر اساس مواد و مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر در راستای حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، اصل بر منع دستگیری و بازداشت افراد است و از هیچ کس، مگر به جهات و طب آیین دادرسی مقرر به حکم قانون نمی‌توان سلب آزادی کرد. اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل را بر منع دستگیری افراد قرار داده است؛ مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. حق آزادی هر فرد و بهره بردن از امکانات به موجه آزادی، طبیعی هر انسانی به شمار می‌آید؛ لذا نباید آن را بدون مجوز از هیچ کس سلب کرد. بازداشت بدون مجوز حتی از سوی مقام قضایی و ضابطان هم نمی‌تواند صورت گیرد. اگر چنین بازداشت‌هایی (خودسرانه و بدون مجوز) حتی در خصوص کسانی که در معرض اتهام هستند، ممنوع نباشد، راه را برای انواع جرائم باز می‌گذارد (اسلامی و همکاران، ۱۴۰۰). افزون بر آن، فرض کنید عمل دستگیری، بازداشت و سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد مطابق قانون باشد و مقامات رسمی حق داشته باشند با مجوزی که صادر شده است، شهروندی را دستگیر کنند. این دستگیری یا بازداشت می‌بایست از لحاظ شکلی مطابق با قانون باشد و وجود مجوز قانونی بازداشت و دستگیری افراد را نمی‌توان مجوزی برای رعایت نکردن دیگر حقوق متهمی که حق آزادی او سلب شده است، دانست. رعایت نکردن قوانین و

۱. ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ رم بیان می‌کند: حق آزادی و امنیت؛ هر شخص از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار است. هیچ کس را نباید از آزادی‌اش محروم کرد، به استثناء ۶ مورد که در این قانون مستثنا شده است.

قواعد شکلی سلب آزادی افراد، سلب غیرقانونی و خودسرانه تلقی شدن سلب آزادی آن‌ها خواهد شد (افشار احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

بر اساس آنچه گفته شد، استثنائی که می‌توان از اسناد بین‌المللی حقوق بشر در خصوص محدودیت در اعمال حق آزادی و امنیت شخصی افراد اعمال کرد، موارد و مجوزهایی است که قانون‌گذار داخلی برای سلب آزادی افراد به رسمیت شناخته است و افزون بر آن، سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد ضرورتاً باید بر اساس رعایت قوانین و قواعد شکلی باشد که در قوانین داخلی شناخته شده است. بر همین اساس، در دو قسمت، قوانین جمهوری اسلامی ایران را در موارد و مصادیق قانونی سلب حق آزادی و امنیت شخصی و نیز قوانین شکلی سلب حق، بحث و بررسی خواهیم نمود تا میزان مطابقت قوانین یادشده با اسناد بین‌المللی حقوق بشر در این زمینه روشن شود.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ش

قانون‌گذار در ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل را بر عدم صدور جواز بازداشت موقت قرار داده است و جواز آن را در جرائمی که مجازات آن‌ها رجم و صلب باشد، نسبت به قانون ساب حذف نموده است و موارد اجباری صدور قرار بازداشت موقت، موضوع قوانین خاص را به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح، ملغاً اعلام نموده است (کارگزینی، ۱۳۸۳).

در بند ۳ ماده ۱۳۸ قانون یادشده نیز در تکمیل موضوع ماده ۲۳۷ که بر حذف موارد الزامی بازداشت موقت اجباری حکم داده، برای صدور جواز نیز شرایطی را برشمرده است که تا این شرایط وجود نداشته باشد، مقام قضایی حق صدور قرار بازداشت موقت را نخواهد داشت.

در تحلیل مواد قانون آیین دادرسی کیفری، گفتنی است که بر اساس موارد یادشده در این قانون در خصوص محدود کردن موارد اجباری صدور قرار بازداشت موقت، گامی اساسی به جلو برداشته است و به صراحت قرار بازداشت موقت اجباری را لغو نموده است (آشوری و همکاران، ۱۳۹۲).

درواقع، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش، با رفع ابهامات، ایرادات و روشن ساختن موارد مسکوت قانون سابق در خصوص موارد صدور بازداشت موقت و حذف کامل موارد اجباری آن به‌ویژه در قوانین خاص، گامی اساسی در راستای رعایت جواز قانونی سلب موقت حق آزادی و امنیت شخصی بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اصول بر حق آزادی و امنیت شخصی افراد و منع سلب آزادی از آنان است و سلب آزادی، استثنائی بر اساس موارد و مجوزهایی است که قانون‌گذار داخلی به صراحت به رسمیت شناخته است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی، برخی از مصداق‌های حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است. در اصل ۳۲ قانون اساسی، بر ممنوعیت توقیف خودسرانه تأکید شده و اصول را بر منع سلب آزادی افراد قرار داده و تأکید نموده است که سلب آزادی افراد فقط به حکم و ترتیبی است که قانون معین می‌کند و مرجعی که به بازداشت دست می‌زند، باید حداکثر در ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی را به مرج صالح قضایی بفرستد. اصل ۳۳ نیز حکم مصداق دیگر سلب آزادی افراد را که تبعید است، بیان کرده است؛ مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد. هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممانعت یا به اقامت در محلی مجبور ساخت. افزون بر این، اصول ۳۶، ۳۷ و ۳۱ قانون اساسی نیز آثاری از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است؛ بنابراین، بر اساس اصول یادشده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق آزادی و امنیت شخصی افراد به رسمیت شناخته شده و

اصل را بر منع سلب آزادی گذاشته است و استثناء سلب حق آزادی افراد را تنها به تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر با حکم و ترتیبی که قانون مشخص نموده، مجاز دانسته است (رزینی و همکاران، ۱۳۹۰). باین‌حال، کمبودهای قانونی چشمگیر در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی متهم وجود دارد؛ به‌ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری با دادن اختیارات گسترده به قاضی برای بازداشت و نیز پیش‌بینی قرار بازداشت اجباری، حقوق ناظر بر حق آزادی و امنیت شخصی متهم، بسیار محدود گردیده است.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری

ماده ۳۲ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ش، موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت را تعیین کرده بود. درواقع می‌توان گفت، لفظ جایز به کار رفته در ماده ۳۲ بدین معناست که صدور قرار یادشده در صورت وجود شرایط مذکور در ماده متناسب است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۲، ص ۹۳).

موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت، با این پیش‌شرط که هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید؛ شامل مواردی از جمله جرائمی است که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عضو باشد؛ جرائم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد؛ جرائم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ش و در شرایطی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردیده یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند؛ هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود؛ در قتل عمد با تقاضای اولیاء دم برای اقامه ینه حداکثر به مدت شش روز است؛ در جرائم منافی عفت، چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد. در موارد ذکرشده، در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب افساد شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲).

اگرچه این‌گونه به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایران با بیان شرایط یادشده در بالا، شرایط سختی برای صدور قرار بازداشت موقت و سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد به وجود آورده تا در صورت امکان، قاضی احتیاط بیشتری در سلب حق آزادی افراد از خود نشان دهد و به‌راحتی در هر اتهامی آزادی متهم را سلب نکند و به‌نوعی از بازداشت‌های بی‌مورد جلوگیری شود، اما با وجود موارد بازداشت اجباری در ماده ۳۵ قانون یادشده، به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایران نه تنها برای حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی متهم و عدم بازداشت وی گام برنداشته بلکه بازداشت‌های موقت اجباری را نیز نسبت به قانون سابق افزایش داده بود (کریمی، ۱۴۰۰).

در تحلیل موارد و مصادیق قانونی سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ش که پیش‌تر بیان گردید، می‌توان گفت، اگرچه قانون‌گذار برای حمایت از حق آزادی افراد و ایجاد محدودیت در سلب آن، الزام صدور قرار بازداشت موقت را به دو شرط رعایت قیود ماده ۳۱ قانون یادشده و تبصره‌های آن و توجه اتهام به متهم بر اساس قرائن و امارات موجود، مقید نموده است ولی ظاهر امور این‌گونه است که این دو شرط با الزامی بودن قرار بازداشت موقت از سوی قاضی منافات دارد و بر اساس همین دو قید بازداشت موقت اجباری در همه موارد و از جمله کلیه جرائمی که به‌موجب قوانین خاص بازداشت اجباری در آن‌ها پیش‌بینی شده است، به استثناء موارد مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، از نظام تقنینی ما رخت بر بسته است (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۲۲۵).

بررسی هر دو نظریه

در جوامع مدرن غربی که حاکمیت مکاتب لیبرال در آن‌ها وجود دارد، از آزادی به معنای مطلق بهره می‌گیرند و هر آنچه را که مانع یبر سر خواسته‌های مشروع و نامشروع خود می‌پندارند، مانع آزادی می‌دانند. منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، پیام‌آور آزادی از نوع آزادی مشروط و مشروع است. آنچه امروزه در قالب لیبرالیسم در جوامع سرمایه‌داری و لیبرال دموکرات کنونی پذیرفته شده، مبنای شکل‌گیری اعلامیه بوده و از نظر منشور مردود است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که آزادی مطلق در عمل وجود ندارد و طبیعتاً هر کشوری برای اداره جامعه و جلوگیری از هرج و مرج، مجبور به وضع قوانین و مقرراتی در راستای حفظ منافع عامه جامعه خویش خواهد بود؛ بنابراین، در اینجا است که محدودیت‌های ذاتی در مقابل آزادی خودنمایی می‌کند. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به رعایت قانون و حقوق دیگران اشاره کرد که این مسئله در اعلامیه به‌روشنی قابل مشاهده است. از آنجا که حکومت کشور ایران، حکومتی اسلامی است، تمامی احکام و قوانین اسلام در تمامی حقوق داخلی آن، از جمله منشور مشاهده می‌گردد. به همین جهت، آزادی به‌صورت مقید پذیرفته شده و مواردی از آزادی که خلاف فطرت پاک انسان‌ها و موجب انحراف از آن باشد، ممنوع اعلام شده است. به عبارت دیگر، در منشور، علاوه بر رعایت قانون و حقوق سایرین که در اعلامیه حقوق بشر به آن توجه شده، محدودیت‌هایی دیگر نظیر لزوم رعایت حاکمیت الهی، لزوم رعایت شرع، رعایت مصالح عامه، رعایت قواعد کلی فقهی و اصول عقلانیت و غیره در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی، اتفاق نظر نسبت به پذیرش مفهوم آزادی اعلامیه و منشور وجود دارد اما در مورد محدودیت‌های پذیرفته‌شده در قلمرو آزادی‌های فردی، جمعی و فکری دارای مغایرت‌هایی هستند به‌طوری که در مبحث آزادی رفت‌وآمد در داخل کشور، هر دو سند حقوقی آن را به رسمیت شناخته و هرگونه ممنوعیت کلی بر این آزادی به‌جز در صورت وجود خطر شدید را ممنوع دانسته‌اند. در مورد آزادی رفت‌وآمد در خارج از کشور، دو سند دارای رویه واحد و یکسانی نیستند. در منشور، خروج از کشور به‌آسانی رفت‌وآمد در داخل کشور نبوده و دارای محدودیت‌هایی است. هر دو سند حقوقی، حق آزادی عقیده، اندیشه و بیان را به رسمیت شناخته‌اند و تنها نکته‌ای که می‌توان به‌عنوان مفارقت این دو سند بیان کرد، بحث حدود آزادی عقیده، اندیشه و بیان است (دلشاد و همکاران، ۱۳۹۹) که پس از به رسمیت شناختن آن می‌توان بیان داشت که منشور، رعایت اصول آزادی، برابری، بی‌طرفی، استقلال، صحت، صداقت، انصاف و مسئولیت را ضروری دانسته است. هر دو سند حقوقی، آزادی بیان و مطبوعات را قابل تسری به آزادی رادیو و تلویزیون می‌دانند. این آزادی به معنای آزادی تأسیس و اداره این رسانه‌ها توسط اشخاص مورد تأیید قرار گرفته است. در زمینه آزادی آموزش نیز هر دو سند آن را به رسمیت شناخته‌اند. همچنین، آزادی تأسیس و اداره یک مؤسسه آموزشی و آزادی دستیابی به آموزش، فارغ از خاستگاه اجتماعی دانش‌آموزان، آزادی انتخاب نوع آموزش و آزادی انتخاب مطالب و موضوعات برای یادگیری؛ اما منشور بیان داشته است که آزادی آموزش نمی‌تواند مطلق باشد و نظارت دولت در بهره‌گیری از این آزادی ضروری است (افشار و همکاران، ۱۳۹۸).

بحث و نتیجه‌گیری

آزادی و امنیت شخصی، یکی از حقوق به رسمیت شناخته‌شده برای همه انسان‌ها بوده که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز دولت‌ها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. بر اساس حق آزادی و امنیت شخصی، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنائی باشد. این امر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

سلب آزادی و امنیت شخصی افراد باید تنها بر پایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر انجام گیرد. این امور در قوانین اساسی و عادی ایران به رسمیت شناخته شده و اگرچه دارای ایرادها و نقص‌هایی است اما قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ش، همه ایرادهای موجود در قوانین کنونی را رفع نموده است. سلب آزادی که از سوی مراجع قضایی به عمل می‌آید، باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و دلایل صدور آن بیان شود. در قوانین ایران، قوانین آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده واحده قانون آزادی‌های اساسی و حفظ حقوق شهروندی به صراحت پذیرفته شده است. بر اساس حق آزادی و امنیت شخصی، ضروری است سلب آزادی که بر اساس قانون به عمل آمده است، محدود به مدت معین باشد و دادرسی عادلانه هرچه زودتر درباره اشخاص دستگیر شده به عمل آید. در قوانین ایران، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، این حق به رسمیت شناخته اما دارای ابهام‌هایی است که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ش، افزون بر رفع آن‌ها، مدت سلب موقت آزادی را نیز کاهش داده است.

منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۸۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۵، کاربردی، چاپ دوم، تهران: میزان.
- آخوندی، محمود. (۱۳۸۷). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۴، اندیشه‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد و سپهری، روح‌الله. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه. *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ۶، ۳-۳۱.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۲، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- اسلامی، علی، جهانگیر، زهرا و کاوه پیشقدم، محمد کاظم. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در منشور حقوق شهروندی و اعلامیه جهانی حقوق بشر. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰ (۴۵)، ۹۵-۱۲۳.
- افشار احمدی، ایرج، روحانی مقدم، محمد و آقایی بجستانی، مریم. (۱۳۹۸). جایگاه حقوق فردی شهروندی در فقه و نظام حقوقی ایران. *مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی*، ۱۳، ۷-۲۲.
- بارالت، جی.ام. (۱۳۸۳). *حقوق شهروندی*، ترجمه: جواد کارگزاری، نشریه حقوق اساسی، ۲.
- خزائی، منوچهر. (۱۳۷۷). *مجموعه مقالات فرایند کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- دلشاد، ابراهیم و احدزاده، عباس. (۱۳۹۶). چگونگی و چرایی قانون برای احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، *نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروند*، تهران.
- دلشاد، ابراهیم، احدزاده، عباس و پورجواهری، علی. (۱۳۹۹). چگونگی و چرایی قانون برای احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی. *فصلنامه مطالعات تطبیقی حقوق شهروندی*، ۱ (۱)، ۳۹-۵۴.
- صادقی زیازی، حاتم و ابراهیمی منش، مهران. (۱۳۹۳). حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری. *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵ (۱)، ۱۷۱-۱۹۰.
- صفائی، سیدحسین. (۱۳۷۰). حقوق بشر در اسلام و در اعلامیه جهانی حقوق بشر. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران*، ۲۷.
- غلامی رزینی، محسن و غلامی، حسین. (۱۳۹۰). حقوق شهروندی در فرایند عدالت کیفری ایران. *فصلنامه دانش انتظامی*، ۱۳ (۳)، ۱۰۱-۱۳۳.
- کریمی، فریا. (۱۴۰۰). آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در آیین دادرسی کیفری. *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۷ (۱)، ۴۸۹-۵۰۰.
- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۲). *کلیات آیین دادرسی کیفری*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات جنگل.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد و مهریزی ثانی، محمد. (۱۳۹۲). حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۵(۶۱)، ۲۴-۱.

هاشمی، محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

Beyleveled, D., & Brown Sword, R. (2011). *Human dignity in bioethics and biolaw*. Oxford University Press.

Kant, I. (2003). *Groundwork of the metaphysics of morals* (3rd ed.). Translated by Ellington, J. U.S: Hackle Publishing Company.

استناد به این مقاله: جمشیدی، جواد. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی. فصلنامه تحقیقات

نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۳(۳)، ۷۹-۸۸.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.